

## حقوق فرزندان ؛ فصل هشتم : دوران بلوغ و جوانی / 1- جشن تکلیف

1- جشن تکلیف / یکی از بهترین و شیرین ترین دورانی که بر فرزندان می گذرد دوران شیرین و به یاد ماندنی بالغ شدن آنان است ، بچه ها در این مرحله احساس می کنند که شور و نشاط عظیمی در روحشان دمیده می شود و گویی به جهان تازه ای گام می نهند. آنان با تحولاتی که در جسم و روح خود می یابند به خدا توجه می کنند که بر آنان منت گذارده و با واگذاری مسؤ ولیت سنگین تکلیف ، آنان را در آستانه شکوفایی و رشد و بالندگی و حرکت به سوی کمال لایتناهی و تقرب به درگاه مقدس خود دعوت کرده است . ...

### حقوق فرزندان ؛ فصل هشتم : دوران بلوغ و جوانی / 1- جشن تکلیف

#### 1- جشن تکلیف

یکی از بهترین و شیرین ترین دورانی که بر فرزندان می گذرد دوران شیرین و به یاد ماندنی بالغ شدن آنان است ، بچه ها در این مرحله احساس می کنند که شور و نشاط عظیمی در روحشان دمیده می شود و گویی به جهان تازه ای گام می نهند. آنان با تحولاتی که در جسم و روح خود می یابند به خدا توجه می کنند که بر آنان منت گذارده و با واگذاری مسؤ ولیت سنگین تکلیف ، آنان را در آستانه شکوفایی و رشد و بالندگی و حرکت به سوی کمال لایتناهی و تقرب به درگاه مقدس خود دعوت کرده است .  
مراسم جشن تکلیف نیز پاسخ مثبت و مؤ ثری است به حالات و عواطف درونی نوجوانان . این مراسم بر شخصیت يك و پرانرژی نوجوانان صحه می گذارد و آنان را در قبول مسؤ ولت های دینی وانسانی مستعد و پر توانتر می سازد.

بنابراین ، جا دارد که پدران و مادران محترم خدا را بر این عطیه و احسان بی منت شکر نموده آن روز را جشن بگیرند. شایسته است که این جشن بخوبی برگزار گردد و مجالس و محافلی عمومی و خصوصی برای آن تشکیل شود و پدر یا بزرگ خاندان و یا یکی از مربیان یا روحانیون بزرگوار درباره عظمت تکلیف و مکلف شدن و مسائل مربوط به آن سخن بگویند چه نیکوست که آن دسته گله و هدیه ها که در مراسم جشن تولد آورده می شود، برای جشن تکلیف برده شود و چه خوب است که هدیه ها، کتاب و جزوه و نورهای سودمند و مفید باشد. اگر به نوجوانی که به سن تکلیف رسیده بیان شود که از این لحظه خداوند به تو عنایت و توجه و لطف ویژه ای دارد، و بر اثر لیاقتی که در وجود تو نهفته است این مسؤ ولت سنگین را بر دوش نهاده و درهای کمال و ترقی و در نتیجه شاهراه بهشت جاودان را به رویت باز کرده است ، او متحول می شود.

#### سالروز تکلیف یا بزرگترین عید انسانها

سید ابن طاووس که در حدود ششصد سال پیش می زیسته به این مسئله توجه و عنایت فراوان داشته است . او نه تنها به سالروز مکلف شدن خود اهمیت می داده و از آنروز بعنوان بزرگتری عید یاد می کند، بلکه بفرمی افتد تا جشنی برای بالغ شدن فرزند خود ترتیب دهد و از آن روز فراموش نشدنی تجلیل فراوان بعمل آورد.  
و در کتاب کشف المحجه آرزو می کند که اگر تا روز به تکلیف رسیدن فرزندش زنده ماند، آن روز را عید محسوب دارد و صدو پنجاه دینار در راه خدا صدقه بدهد.(541)

#### سخنان ابن طاووس در مراسم تکلیف فرزندش

سید ابن طاووس وقتی فرزندش محمد پا به سن شانزده سالگی گذاشت ، نخست منجمی خواست تا ساعت ولادت فرزندش را معین کند. پس از روشن شدن لحظه ولادت محمد خدا را شکر کرد و با فرزندش آغاز به سخن گفتن نمود.

سید با بیانی ساده و شیوا و با تشبیهی رسا و جالب توجه مسؤ ولت انسان مکلف را بیان کرد. او گفت : انسانی که به سن تکلیف رسیده چون بنده زخریدی است که برای مولای خود پست ترین کارها را می کرده است . لیکن تصمیم مولای او برا آن است که بنده اش را از آن حالت پست به مقام پادشاهی و بزرگی برساند، و کلیدهای مملکت را به او بسپارد. حال خداوند این بنده را به درگاهش دعوت کرده تا به او احسان کند و کلیدهای دنیا و آخرت را به او بسپارد و کلید کاخهای بهشت را به او هدیه کند.(542)  
آنگاه پدر و پسر سر به سجده گذاشتند، تا خدا را بر این نعمت بزرگ شکر گویند. سپس پدر بر دو فرشته موکل و نگهبان سلام می کند و فرزندش را نیز وادار می کند تا او هم بر دو فرشته - رقیب و عتید - سلام کنند و از آن دو، برای سعادت و کامیابی خود کمک بگیرند و بعد توجهی به دشمن انسانها یعنی ابلیس نموده و از خداوند دوری او را خواستار می شوند و در آخر دو رکعت نماز شکر می خوانند.(543)

#### گله ابن طاووس از پدران و مادران

سید ابن طاووس در نوشته نفیس خود از پدران و مادران چنین گله می کند:

تا آنجا که دیده و شنیده ایم اگر کسی به پادشاهی کشوری برسد و یا ولایتی و سمتی و مسؤ ولیتی به او واگذار شود و... آن روز را بسیار گرامی می دارد و آن لحظه فراموش نشدنی را ثبت می کند که هیچگاه از یادش نرود. بلکه آن روز را روز شادی خود و نزدیکانش قرار می دهد، ولی شگفتا چرا روز تکلیف ، روزی که انسان به مقام قرب عبودیت راه می یابد و مسؤ ولت سنگین تکلیف را عهده دار می شود، باید مورد بی توجهی و بی حرمتی قرار گیرد و آنچنان به این روز بی اعتنائی شود که به صورت يك روز بی نام و نشان قلمداد گردد.

و من تاکنون نشنیده ام کسی برای این روز بسیار بزرگ و فراموش نشدنی ارزشی قائل شده باشد و حق چنین روزی را ادا کرده باشد و یا برای از دست رفتن چنین روزی ، لحظه ای غصه خورده باشد. از اینرو خود و فرزندان و دوستانم را سفارش می کنم که حق چنین روزی را ادا کنند و در بزرگداشت و احترام آن بکوشند.(544)

541- کشف المحجه ، ص 87.

542- التشریف بتعریف وقت التکلیف ، ص 6.

543- همان مدرک ، ص 8 - 10.

544- ترجمه و اقتباس از کتاب التشریف بتعریف وقت التکلیف ، ص 15.